

اصطلاحات تعبیری زبان فرانسه

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Les Expressions idiomatiques

فریبا اشرفی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

زهرا کریمی

www.ketab.ir

به نام خداوند صلح و آرامش

شوله، ایزابل Chollet, Isabelle	سرشناسه
اصلاحات تعبیری زبان فرانسه	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر راهی، ۱۳۹۲	مشخصات نشر
۱۵۷ ص: ۲۲ × ۲۹ س.م	مشخصات ظاهری
۲-۳-۷۲۹۹-۶۰۰-۹۷۸	شابک
لیهای مختصر	وضعیت فهرست نویسی
فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nashr.ir قابل دسترسی است	یادداشت
عنوان اصلی: Les Expressions Idiomatiques	یادداشت
روبر، ژان-میشل	شناسه افزوده
Robert, Jean-Michel	شناسه افزوده
اشرفی، فریبا، ۱۳۲۴-، مترجم	شناسه افزوده
کریمی، زهرا، ۱۳۲۵-، مترجم	شناسه افزوده
۳۸۷۱۸۹۷	شماره کتابشناسی ملی

اصطلاحات تعبیری زبان فرانسه

برگردان: فریبا اشرفی - زهرا کریمی

نویسندگان: ایزابل شوله، میشل روبرژان

صفحه آرای و طراحی جلد: بهاره حسینی

شابک: ۲-۳-۷۲۹۹-۶۰۰-۹۷۸

قطع و تعداد صفحات: ۱۵۲ صفحه رقمی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



تهران- خیابان شریعتی- خیابان ترکمنستان- کوچه سپیدار- پلاک ۲- واحد ۱۴

۸۸۳۷۲۶۶۹-۸۸۳۲۶۸۲۲-۹۳۷۹۷۰۷۷۷۹

www.nashrerahi.com

nashr.rahi@gmail.com

فهرست

۱۱	سخن نویسنده
۱۳	مقدمه
۲۳	مقدمه کتاب به فارسی
۲۵	روابط براساس قدرت
۲۵	هدایت کردن، دستور دادن، ناگزیر بودن
۲۷	پیروی و اطاعت
۲۸	سلسله مراتب
۳۰	مسئول بودن و مقصر بودن
۳۱	سرزنش کردن
۳۳	به خاطر داشتن / فراموش کردن
۳۳	خاطرات
۳۳	فراموشی
۳۴	خاموش ماندن / سکوت کردن
۳۶	کار کردن
۳۶	به طور کلی کار کردن
۳۷	با علاقه و انرژی کار کردن
۳۹	باسعی و تلاش کار کردن
۴۰	شایستگی / عدم صلاحیت
۴۲	تنبلی کردن / کاری نکردن

۴۳		فریب دادن
۴۳		دروغ گفتن
۴۴		گمراه کردن
۴۶		فریب دادن، گول زدن
۴۷		دیدن، نگاه کردن
۴۹		موقعیت ها
۴۹		شرایط خوب
۴۹		موقعیت های خوب یا بد
۵۱		شرایط حساس و سخت
۵۵		سن و سال
۵۷		کارآموزی، آموزش
۵۸		پول
۵۸		ثروتمند بودن
۵۹		فقر، فقیر بودن
۶۰		پول درآوردن
۶۱		از دست دادن پول، مشکلات مالی
۶۴		پول خرج کردن
۶۵		آدا ره کردن، صرفه جویی کردن
۶۶		گران
۶۷		مجانی، ارزان
۶۸		شانس، بد شانسی
۶۸		شانس
۶۹		بد شانسی
۷۰		خطر
۷۰		موقعیت های خطرناک
۷۰		تحریرک کردن خطر
۷۱		از خطر فرار کردن
۷۲		خلع درجه و انهدام
۷۳		سختی ها و مشکلات
۷۳		سختی ها
۷۵		مشکلات و نگرانی ها

۷۶	مقاومت کردن
۷۷	علاقه و بی تفاوتی
۷۷	علاقه
۷۸	بی تفاوتی
۷۹	عدم علاقه، بی اهمیت
۸۱	عدم توجه
۸۲	آزادی، استقلال / وابستگی
۸۳	بیماری
۸۳	خوب و سر حال نبودن
۸۴	بیماری ها یا ناتوانی ها
۸۵	جنون و دیوانگی
۸۵	تهوع
۸۶	غش کردن (بیهوش شدن، از حال رفتن)
۸۷	مراقبت ها، بهبودی، استراحت، شفا
۸۷	مرگ
۸۷	قبل از مرگ
۸۸	مردن
۸۹	خودکشی کردن
۹۰	مرگ های خشن
۹۱	موفقیت و شکست
۹۱	موفقیت، کامیابی
۹۲	صرف نظر کردن
۹۳	موفق نشدن
۹۵	جذبه، روابط عاشقانه، جنسیت
۱۰۰	تصادفی
۱۰۱	مقایسه
۱۰۱	مساوات، شباهت
۱۰۲	تفاوت
۱۰۳	زبردستی، برتری
۱۰۳	فضا
۱۰۳	کجا؟

۱۰۴	فاصله نزدیک، فاصله دور
۱۰۵	مشخص کردن چندین مکان
۱۰۵	عادت
۱۰۶	باشدت
۱۰۷	قضاوت
۱۰۷	خوبی، خوب، چیز خوب
۱۰۸	معمولی، وسیله
۱۰۹	بدی، بد، هیچ
۱۱۰	روش
۱۱۰	با خشونت، مستقیماً
۱۱۰	با اطمینان
۱۱۱	به دشواری، روش سخت و پیچیده
۱۱۲	محتاطانه، به طور غیر مستقیم
۱۱۲	باشور و هیجان
۱۱۳	روش قطعی
۱۱۴	دقیقا و با دقت
۱۱۵	به آسانی، به راحتی
۱۱۷	با عجله، با تندی
۱۱۹	ریاکارانه
۱۲۰	منطقاً، روش عاقلانه، روش غیر منطقی، نامعقول
۱۲۱	از روی ناشیگری
۱۲۱	آشکارا، مخفیانه
۱۲۲	محتاطانه
۱۲۳	باسکوت
۱۲۳	روش های دیگر
۱۲۳	مقدار
۱۲۵	زمان
۱۲۵	چه وقت
۱۲۵	دوام
۱۲۸	کثرت
۱۲۸	سرعت

۱۳۰	خریدها
۱۳۱	ارتش
۱۳۱	سرو صدا
۱۳۲	رفت و آمد
۱۳۳	شرایط آب و هوا
۱۳۴	آسودگی، ناراحتی
۱۳۴	خط
۱۳۵	آب
۱۳۶	زیبایی شناسی
۱۳۶	ژاندارم‌ها و دزدان
۱۳۹	مردم
۱۴۱	اطلاعات، خبرها
۱۴۳	توهین‌ها
۱۴۳	اوقات فراغت (تئاتر، سینما، کتاب خواندن، گردش، ...)
۱۴۴	ازدواج، مجرد، بچه‌ها
۱۴۴	ازدواج
۱۴۵	تجرد
۱۴۶	بچه‌ها
۱۴۷	مُد
۱۴۸	بوها
۱۴۸	پذیرایی
۱۴۹	دین
۱۴۹	توتون
۱۵۱	Résumé

سخن نویسنده

به نام خدا

همیشه دوست داشتم فرهنگ دیگر کشورها را مطالعه کنم. برای شناخت دیگر فرهنگ‌ها می‌توان از راه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داد، به طور مثال از میان آداب و رسوم، تاریخ، مذهب و به خصوص ادبیات. کتاب پیش‌رو را برای مطالعه فرهنگ کشور فرانسه انتخاب کردم چون به نظر من اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی که میان مردم رایج است نشانی از فرهنگ آنان است و در واقع آنها آینه‌ای هستند که تمام افکار، ذهنیات، احساسات و باورهای یک ملت را انعکاس می‌دهند و باعث آشنایی با مفاهیم عمیق نهفته در آنها می‌شود که حکایت از فرهنگ باستانی آن سرزمین می‌کند. پیوند واژه‌ها که اصطلاحاتی پرمغز را اعم از ساده و پیچیده بیان می‌کنند بعضاً برخاسته از روح جمعی و فرهنگی ملتی خاص است که چون تحت تأثیر جغرافیا بوده، همه‌گیر شده و رنگ و بوی قوم و فرهنگ خاص را گرفته و به شدت انعکاس دهنده روح و روان واقعیت ملموس زندگی آن قوم است.

امید است با ترجمه این کتاب سهم کوچکی در معرفی فرهنگ و آداب و رسوم کشور فرانسه را داشته باشم و دانشجویان زبان فرانسه بتوانند از آن استفاده کنند.

مقدمه

ضرب المثل یعنی مثال زدن یا تمثیل برای موثر و مستندتر کردن کلام. چه نظم و چه نثر. که در گفتار و نوشتار مردم کشورمان همیشه وجود داشته و ادبیات ایران سرشار از انواع ضرب المثل ها و امثال است. در فولکلور یا ادبیات عامیانه صدها ضرب المثل و زبانزد داریم که از شمارش خارج است. گاه با طنز آمیخته است و گاه با جد، گاه تا حدی موهن و تحقیر آمیز و گاه محترمانه است. به هر حال مردم. همین مردم عادی. در ایجاد ارتباط کلامی با یکدیگر از کلمات و عبارات ضرب المثل به فراوانی استفاده می کنند. بسیاری از این ضرب المثل ها طبیعت نثر. آن هم نثر گفتاری و عامیانه. دارند و تعدادی هم بنا به ذوق شعر دوستانه و نظم گرایانه ایرانیان، حالت منظوم و شعرگونه دارند و تقریباً موزون، مسجع هستند. به هر حال ضرب المثل های رایج در ادبیات غیر مکتوب یا عامیانه ایران بسیار مفصل است و کسانی چون صادق هدایت، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، فضل الله صبحی مهتدی، صادق همایونی و دیگران در ضبط و ثبت این گونه ضرب المثل ها کوشش هایی داشته اند.

ضرب المثل عصاره ی فرهنگ

موضوع فولکلور پرداختن به جنبه های سنتی جامعه؛ یعنی شیوه های اعمال

رفتار، عادات و باورهای سنتی یک قوم است که در حقیقت میراث مشترک زندگی اجتماعی یک گروه که از نسل‌های گذشته بر جا مانده است؛ سنت‌هایی که فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند می‌توانند مادی (مثل ابزارها، خوراک‌ها و...)، رفتاری (مثل جشن‌ها و بازی‌ها و...) و گفتاری (مثل ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و...) باشد. مسأله‌ی اساسی در فرهنگ عامه و ویژگی اجتماعی آن است نه ویژگی هنری؛ چرا که اعتبار ادبیات عامیانه به جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسی آن نیست بلکه اعتبارش را از پیوند با جامعه و واقعیت اخذ می‌کند و اساساً ادب عامه چون ادامه‌ی کار و فعالیت زندگی مردم است پس معمولاً جنبه‌ی تجملی ندارد؛ ساده و بی‌پیرایه است؛ چون به جز بیان مطلب، غرض دیگری ندارد و از طرف دیگر اگر دشوار باشد بر زبان‌ها جاری نمی‌شود. البته این به آن معنا نیست که در ادبیات عامیانه جنبه‌های زیبا و هنری دیده نمی‌شود. کاملاً آشکار است که هر اثر - چه عامیانه چه رسمی - اگر از جنبه‌ی هنری بهره‌مند باشد جذاب‌تر و در نتیجه ماندگارتر خواهد بود و این نکته‌ای است که پدیدآورندگان ادب عامیانه از آن بی‌خبر نبوده‌اند.

ضرب‌المثل‌ها همگی کوتاه‌اند و همین کوتاهی است که سبب ماندگاری در حافظه‌ی مردم و تأثیر گذاری بر آن‌ها می‌شود. «گاهی آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخن رانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه و مقاله و رساله بیشتر است.»

از جهت دیگر می‌توان ضرب‌المثل‌ها را به دو نوع جدی و طنز تقسیم کرد. ضرب‌المثل‌های عامیانه عموماً دارای طنزند؛ چرا که بذله‌گویی نشانه‌ی هوش و دکاوت است. پس طنز پرداز آدم زیرکی است و می‌داند که به کمک طنز می‌تواند غیر مستقیم در برابر مشکلات جبهه بگیرد و به این نکته وقوف کامل دارد که طنز سبب جذابیت و ماندگاری یک اثر است. در فرهنگ عامه نیز بذله‌گویی ذاتی نهفته

است و این نکته امری طبیعی است که هر چه زندگی ساده تر باشد دلخوشی، بیشتر است.

ضرب المثل، تصویری فشرده از زندگی اجتماعی، سیاسی، حکومتی و اقتصادی دوره‌های گذشته و امروز یک قوم است و طبعاً هر قوم و کشوری که سابقه‌ی فرهنگی غنی تری داشته باشد از ضرب المثل‌های بیشتری استفاده می‌کند.

ضرب المثل با جمله یا جملاتی کوتاه، افکار و دیدگاه‌های قومی را در دوره‌ای خاص یا در کل زندگی انسانی نمایان می‌کند؛ وقتی داستان مثل معروف «خرما از کَرگی دم نداشت» را می‌خوانیم بی‌به فساد بعضی از قاضیان می‌بریم. با امثالی از این دست زندگی روزانه‌ی مردم کشورمان را بهتر می‌شناسیم علی‌الخصوص در جامعه‌ای که نویسندگان‌ش به زندگی مردم عادی توجه چندانی نداشتند و فقط به ذکر فتوحات فلان امیر و مرگ فلان وزیر می‌پرداختند.

به خاطر داشته باشیم که زندگی ما سراسر پر از استعاره‌هایی است که همیشه دروغ نیستند بلکه به کمک مقوله معناشناختی، شنونده می‌تواند این جملات را تشخیص بدهد و تفسیر نماید. مطالعه این که ما با جملات خود چه کاری انجام می‌دهیم، مطالعه کنش‌های گفتار را تشکیل می‌دهند. به یاد داشته باشیم که بافت یک گفته در تفسیر آن اهمیت فراوان دارد. به عنوان مثال گفتن جمله «اگر نخوریم نون گندم اما دیدیم دست مردم» بسته به اینکه گوینده در چه موقعیتی نسبت به شنونده قرار دارد، می‌تواند بیان یک خبر، یا کنایه و لحن طعنه آمیز باشد. آنچه در جمع بندی می‌توان مطرح کرد این است که گوینده در اکثر موارد می‌کوشد با نقض بعضی از اصول منظومندی به تنوع گفتاری خود افزوده و ضمناً با گفتار غیرمستقیم خود از بار منفی مطلب بکاهد.

ضرب المثل و نسبت آن با اصطلاحات ضرب المثلّی

تفاوت مابین «ضرب المثل» و «اصطلاحات ضرب المثلّی» در شکل، ساختار و عمل کرد آنهاست. امثال و حکم جمله‌ای است کامل با ساختمانی استوار بر پایه و اساسی غیر قابل تغییر، مانند:

هر که بامش بیش، برفش بیشتر!

خواستن توانستن است!

آدم بی سواد کور است!

اصطلاحات ضرب المثلّی، برخلاف امثال و حکم، عباراتی مصطلح و عمومی هستند که ابتدا باید در جمله‌ای جایگزین شوند تا عبارتی کامل حاصل آید. این عبارت کامل نیز بر حسب قید زمان، فاعل و مفعول متغیر است، مانند:

• پا نوی کفش کسی کردن

• دُم خود را روی کول گذاشتن

• بی گذار به آب زدن

• گلیم خود را از آب بیرون کشیدن

• کلاه خود را قاضی کردن

• کلاه خود را سفت چسبیدن

این اصطلاحات ضرب المثلّی، بدون قرار گرفتن در یک جمله کامل، فاقد خصلت‌های ضرب المثل خواهد بود؛ لذا تفهیم عبارات اصطلاحی یاد شده با اضافات مقدور است، مانند:

• پایت را تو کفش بزرگ‌تر از خودت نکن!

• از ترس، دُمش را روی کولش گذاشت و در رفت!

• بی گذار به آب نزن که پشیمان می شوی!

• تو اول گلیم خودت را از آب بیرون بکش، ...!

• تو اول برادريت رو ثابت کن

تعريف ترجمه

ترجمه از لحاظ وزن، یک صیغه رباعی است و به معنای تبیین و توضیح آمده است. از این جهت می‌توان گفت که ترجمه عبارت است از نقل کلام از زبانی به زبان دیگر. لازم است که ترجمه به تمام ابعاد معنای مقصود در زبان اصلی وفادار باشد و حتی نکات و دقایق سخن را که به نحوی با اصل مقصود پیوند دارد، همچون کنایه، جملات حزن‌آور و حسرت‌بار و مانند این‌ها بیان کند. از این رو باید در مترجم، به خوبی شایستگی این معنی وجود داشته باشد و وی احاطه کاملی بر ویژگی‌های کلامی دو لغت داشته باشد و به اسرار بلاغت و بیان در دو زبان آگاه باشد و نقطه نظرهای صاحب نوشته اصل را بداند و سطح علمی نوشته اصل را بشناسد و توانایی آن را داشته باشد که معنی را به طور کامل با تمام ویژگی‌ها و دقایق آن به دست آورد و در قالب دیگری که تا حد امکان شبیه آن است بریزد و این کاری است که کمتر نویسندگان و صاحب قلمی قدرت آن را دارد؛ چه بسیار گام‌هایی که در این میدان عظیم لغزیده است. ترجمه فعالیت است که مرزها را بلورین می‌کند. در جهانی با ترجمه‌های خوب، مرز وجود دارد، اما دیواری از بتن نیست. دیواری بلورین است که از فعالیت مترجمان توانمند پدیدار شده است. در جهانی که وجود مرزها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، ترجمه راهی است تا سوبه‌های یاس‌آور و نفاق‌افکن مرزها را بزداییم.

اهمیت ترجمه

گفتیم که ترجمه شرایط دشواری دارد و کمتر کسی پیدا می‌شود که در او این

شایستگی وجود داشته باشد؛ زیرا بسیار دشوار است که انسانی به دو زبان در تمام مزایای کلامی -- چه از لحاظ لفظی و چه از لحاظ معنوی -- احاطه داشته باشد و بر استعاره‌ها و کنایه‌های معمول در دو زبان آگاه باشد و بتواند تمام ریزه‌کاری‌های کلام را از قالبی به قالب دیگری بریزد که از هر جهت شبیه آن و نماینده آن باشد. گذشته از این باید سطح علمی و ادبی مترجم، در سطح متن ترجمه شده و یا نزدیک به آن باشد، و این سخت‌ترین و مهم‌ترین شرایط است که که جایگاه لغزش قدم‌ها و قلم هاست.

ترجمه تطبیقی ضرب المثل‌های فرانسوی به زبان فارسی، مترجمان ایرانی را در مقایسه زبان مبدأ با زبان مقصد با مسایلی از قبیل کاربردهای لغوی، سبک ادبی، فرهنگ و ساختار یا معنی مواجه می‌سازد. در این مورد، عوامل اصلی در ترجمه و برابری در دو زبان مبدأ و مقصد در سه حوزه زبان‌شناسی از قبیل شکل، محتوا و موقعیت در دو زبان‌های مبدأ و مقصد قرار می‌گیرند.

ضرب المثل‌ها جملات استعاری کوتاهی هستند که حاوی نکات پندها و گفته‌های اخلاقی هستند و ریشه در فرهنگ و ادبیات یک ملت دارند و به دلیل کثرت استفاده در بین مردم یک زبان، از لحاظ فرهنگی ریشه دارند. از آنجایی که هیچ ترجمه‌ای به طور کامل بهترین ترجمه نیست، مترجم باید از مناسب بودن معادل‌های ضرب المثلی پیشنهاد شده اطمینان داشته باشد. هویت استنباطی ضرب المثل‌ها می‌تواند جنبه دیگر دشواری ترجمه کردن ضرب المثل‌ها باشد. از این جهت که معنی معادل‌های زبان مقصد را ناواضح و تا حدی غیرقابل ترجمه می‌کند. بدین ترتیب، ترجمه کردن ضرب المثل‌ها فرآیند پیچیده‌ای است که حیطه‌های ساختاری، واژگانی و انتزاعی به طور همزمان در آن لحاظ شده‌اند. مترجم باید با توجه به جوانب مختلف، این موارد را در ارائه معادل مناسب رعایت

کند.

به طور کلی، ضرب المثل ها گفته های استعاری در شکل کلیشه ای و طرح واره های ذهنی پیش ساخته در یک زبان هستند که راهنمای مفاهیم فرهنگی هستند. آنها همچنین منسوب به میراث فرهنگی یک ملت هستند و در میان مردم در طی سال ها شکل گیری و استفاده شده اند. آنها در عقاید و افکار مردم عمیقاً ریشه دار هستند که با قوه تجربه و استدلال فهمیده می شوند. مترجمان باید به مفاهیم، معانی عملی، شباهت ها و تفاوت های فرهنگی ضرب المثل ها در دو زبان توجه کنند.

ضرب المثل به عنوان یک بیان مغزدار و عامه پسند تعریف شده که به ارائه یک تجربه، شناسخت، راهنمایی، مورد اخلاقی، حقیقت، هنر، نبوغ و امثال آن می پردازند. عقل و شعور یک ملت را می توان در این ضرب المثل ها درک کرد. فرهنگ ایرانی غنی از ضرب المثل هایی است که گفته هایش را به ندرت می توان در زبان های دیگر پیدا کرد.

در ترجمه اصطلاحات استعاری نظیر ضرب المثل ها، نظریه معادل یابی یک به یک یا ترجمه لغت به لغت شکست خورده است؛ زیرا معانی ضرب المثل ها در دو زبان مبدأ و مقصد دارای معانی ضمنی غیر مستقیم و غیر نمادین است. برای مثال کلمه «جغد» در ضرب المثل های فرانسوی دارای معانی مختلف است. در فرهنگ ایرانی «جغد» به معنی فال بد، مرگ و شانس بد است؛ در حالی که «جغد» در فرهنگ فرانسوی به طور سنتی به معنای عاقل و شانس خوب است.

مشکلات معادل یابی ضرب المثل به درک مترجمان از ساختار و محتوای زبان مبدأ در ترجمه عبارات استعاری اشاره دارد که به مشکلات اساسی در ترجمه تبدیل می شود. اما علاوه بر این مسایل، مشکلات فرهنگی بسیار بیشتر از مشکلات

ساختاری ضرب المثل هاست؛ زیرا آنها ریشه در مفاهیم فرهنگی یک ملت دارند و به اصطلاح فرهنگ محور هستند.

ضرب المثل‌ها یک واحد معنایی در یک موقعیت خاص هستند که از طریق آن، گوینده و شنونده به یک معنی واحد می‌رسند، بر این اساس، ضرب المثل‌ها جمله یا عبارتی به معنای کامل و شبیه به گفته‌ها و پندهایی هستند که به انتقال مفاهیم فرهنگی، افسانه‌ای و میراث فولکلوریک ملت می‌پردازند. آنها بر اساس داستان‌های تاریخی و مشترک در ذهن مردم ریشه دارند. زبان‌شناسان برای ترجمه ضرب المثل‌های زبان مبدأ به مقصد، سه شیوه را پیشنهاد می‌دهند: (۱) می‌توان آن را با یک ضرب المثل در زبان مقصد معادل و جایگزین کرد (۲) کلمات مشترک ضرب المثل را در زبان مبدأ معادل نوشته یعنی معنی تحت الفظی آن را نوشت و (۳) معنی آن را می‌توان به طور مفهومی بیان کرد.

ضرب المثل‌ها عبارات استعاری خاص هستند و مترجم باید مفاهیم ضرب المثلی در زبان مبدأ و مقصد را در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان بداند. ضرب المثل‌ها را نمی‌توان به معنای کلمه به کلمه ترجمه کرد و گاهی ممکن است که هیچ معادل تمثیلی مشابه در زبان مبدأ و مقصد نباشد. زبان‌شناسی اشاره می‌کند که: عبارات اصطلاحی به ندرت قابل ترجمه هستند. اینها شامل اصطلاحات، تمثیل‌ها، استعاره‌ها، ضرب المثل‌ها و گفته‌های قصار هستند و همچنین اشاره می‌کند که اگر این عبارات هیچ معادلی در زبان مقصد نداشته باشند، مترجم ممکن است معادل آنها را به این شرح ارائه دهد: (۱) ترجمه تحت الفظی، (۲) استفاده از کلمه اصلی و توضیح آن در گیومه، (۳) دادن معادل‌های نزدیک در زبان مقصد و (۴) ترجمه ضرب المثل به غیر ضرب المثل.

در رابطه با فرهنگ و ضرب المثل‌ها ما نیازمند روش جدیدی برای یادگیری

و تدریس روابط بین فرهنگی هستیم که یقیناً وجود آن در برنامه‌های آموزش مترجم و مترجمان هم زمان در جهان احساس می‌شود. بنابراین مترجمان باید فرهنگ دوزبان مبدأ و مقصد و روابط آن را با مذهب، رسوم، جشن‌ها، مکان‌های جغرافیایی، آب و هوا، جنبه‌های فرهنگی و میراث مطالعاتی هر دوزبان را بررسی کنند؛ به طور کلی همه این اجزا باید در نظریه‌های ترجمه و به طور خاص در تبیین و ترجمه ضرب المثل‌ها لحاظ شوند.

علاوه بر این هر ضرب المثل معنای خاصی را در یک موقعیت فرهنگی و اجتماعی داراست. بنابراین ضرب المثل‌ها باید با توجه به انتقال همان ارزش‌های فرهنگی در زبان مبدأ انتقال داده شود. از طرف دیگر، ضرب المثل‌ها دارای انگیزه ارتباطی هستند و می‌توانند به طور متفاوتی در فرهنگ‌های مختلف تاثیرگذار باشند؛ برای مثال بکارگیری اصطلاح «لطف بزرگی کردی» در فارسی می‌تواند معنای دویپهلو داشته باشد. ممکن است در یک موقعیت ساده تشکر از یک شخص و در موقعیتی دیگر گلایه‌ای طعنه‌آمیز باشد. دیگر اینکه فهم نادرست مترجم از معنی ضمنی ضرب المثلی ممکن است که وی را در پیدا کردن معادل مناسب در زبان مقصد گمراه کند.

در نتیجه، زبان تمثیلی و به طور خاص ضرب المثل‌ها غنی و فشرده از تاریخچه فرهنگی هستند؛ بنابراین آنها باید بدون از دست رفتن معنی و اثر زیبایی شناختی ترجمه شوند. آنها عبارات یا جملات معنی داری هستند که نباید تحت الفظی ترجمه شوند. سرانجام ضرب المثل‌ها به عنوان بخشی از زبان مثالی نسبت به فرهنگ یک زبان حساس هستند و معادل‌های آنها در زبان مقصد ممکن است وجود نداشته باشد یا به سختی پیدا شود.

مقدمه کتاب به فارسی

کتاب «اصطلاحات تعبیری زبان فرانسه» به طور خاص برای دانشجویان زبان خارجی فرانسه با هر سطح زبانی در نظر گرفته شده است.

موضوع این کتاب بر فهم و کاربرد صحیح و آگاهانه اصطلاحات تعبیری زبان فرانسه دلالت دارد، بدون آن که معنی تحت الفظی نادرستی ارائه دهد. در عین حال این کتاب سعی در گسترش آگاهی‌های زبانی چه در سطح زبان شناختی و چه در سطح فرهنگی دارد.

این اثر بیش از هزاران اصطلاحی را که فرانسویان بیشتر به کار می‌برند، جمع آوری کرده است. این اصطلاحات که متشکل از کلمات ساده و شناخته شده برای دانشجویان خارجی است، همیشه مفهوم قابل درکی را ارائه نمی‌دهند (به طور مثال اصطلاح «در سیب‌ها افتادن» به معنی «بیهوش شدن، غش کردن و از حال رفتن» است).

در قسمت اول اصطلاحات بر اساس مضمون‌هایی مانند: احساسات، سلامتی، زمان و غیره، طبقه‌بندی شده‌اند تا به کاربر اجازه دهند که آنها را با توجه به مفهوم مورد نظرش به کار گیرد: به طور مثال در مضمون «ترس» می‌توان اصطلاح «ترسی به رنگ آبی داشتن» را یافت (به مفهوم: ترس زیاد). هر مضمون چندین اصطلاح را پیشنهاد می‌کند که بنابر میزان اهمیت شان طبقه

بندی شده اند، همراه بایک مثال مفهومی و در صورت لزوم با توضیحی که اختلاف جزئی را مدنظر قرار می دهد.

قسمت دوم همه ی اصطلاحات را در یک ضمیمه فهرست بندی می کند که ترتیب آنها بر اساس نظم الفبایی مهم ترین کلمه ی هر اصطلاح است. به طور مثال اصطلاح « سر خود را شکستن » زیر کلمه ی « سر » طبقه بندی می شود، به طوری که دانشجو به راحتی می تواند به اصطلاح مربوط به آن، که خوانده یا شنیده دسترسی پیدا کند.